

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

تلمیذ: آیا تریاک خارج از بحث اعتیاد برای

بدن مضر است؟

استاد: بله ضرر دارد البته تریاک یکی از مواد

اصلی ادویه در طب قدیم است الان هم همینطور

مورد استفاده قرار می‌گیرد به عنوان ماده اصلی، مواد

اصلی چند چیز هستند یکی تریاک است و یکی

هلله و صمغ و چندتا چیز بودند که جزء اصلی

دواها و ترکیب دواها هستند ولی خود همین قضیه

یک ضررهایی دارد در صورت آمادگی برای مثلا

عروق موجب ترد شدن رگها می‌شود و احتمال

پارگی رگ بخصوص در مغز برای کسانی که مصرف

دارند، مصرف مداومش احتمال بروز بیماری‌های

سخت کبدی دارد، البته بعنوان خیلی کم خیر، مثل

سایر چیزهای دیگر است، مثلا اسپند خودش یک

ماده سمی است ولی کمش خیلی داروی مؤثری

است می‌گویند "سم بخور کم بخور" ولی خود همین

مساله اعتيادش حالا غير از آن جهت ديگر موجب مي شود براي اينكه خود شخص نسبت به بعضي از تحريك پذيري ها كه حساسيت داشته باشد اين تأثير بگذارد لذا در سابق هيچ وقت اين را تنها نمي دادند با چند چيز قاطي مي کردند مگر در استعمالات خارجي مثل بعضي سردردها، بعضي از گوش دردها كه آب مي کردند براي خواباندن بعضي ضررها در عريون استفاده مي کردند آن بيماري هايي كه تشخيص مي دادند ناشي از رطوبت و سردی است به اين وسيله اينها اين را مداوا مي کردند،

تلميد: خشخاش چطور؟

استاد: خشخاش ما هم مي خورديم آن موقع ارزان هم بود مي آوردند در بقالی ها، آن موقع زياد بود يك زماني بود همه بقالی ها مي آوردند ما مي رفتيم سه كيلو مي خريديم با شکر مي خورديم.

تلميد: سرد هم هست.

استاد: طبع خشخاش بله سرد است

تلميد: حکم قاچاقچی انواع مواد مخدر اعدام

است؟

استاد: خب آن ديگر بسته به كيفيت و خطر و

اینهاست یک وقتی مساله تریاک است، یک وقتی قضیه این چیزهایی است که جدید آمده هروئین و اینها چیزهای خیلی خطری و خارج از مساله داروئی است، هر چیزی جای خودش را دارد اینها را یک گرمش را باید اعدام کنند آن قضیه تریاک حالا مثلا نمی‌توانیم بگوییم اعدام است آن را باید از آنها گرفت و چون موارد استفاده داروئی دارد اما این چیزهایی جدیدی که هست همین اینها که می‌گویند کراک و هروئین و اینها چیزهایی که بسیار خطرناک هستند قطعا حکم اعدام است.

تلمیذ: ادله‌اش چیست؟

استاد: ادله‌اش افساد است، از باب افساد کلی، هر چیزی که موجب بشود سلب امنیت جامعه بشود و افساد به آن تعلق بگیرد آن حکمش اعدام است و بعد هم مساله دیگر اضرار است مساله اضرار آن.

تلمیذ: موارد اضرار که اعدام ندارد؟

استاد: بله همین اضرار همان جنبه افساد پیدا می‌کند یک وقتی یکی کاری می‌کند یک وقتی جنبه عمومی پیدا می‌کند مساله‌اش خب این فرق می‌کند

بطور کلی هر چیزی همین است هر چیزی که موجب بشود امنیت جامعه مخدوش بشود آن حکم افساد را پیدا می کند، مثلا بعضی ها هستند شایعات پراکنده می کنند مردم را در اضطراب قرار می دهند، این هم همین حکم را دارد، مثلا شایعه ای که یک گروهی آمدند و این گروهها چه می کنند در میان مردم پخش کنند شایعه اینکه فرض بکنید که مثلا قحطی می خواهد بیاید، شایعه اینکه ضررهایی ممکن است برای مملکت وارد بشود بطور کلی امنیت اجتماعی و روانی امنیت روانی را از جامعه سلب کردن همه اعدام است.

تلمیذ: مواردی که اشاعه فحشا میشود اینها

هم حکم اعدام دارند؟

استاد: اینها هم همین است هر چیزی که

موجب اشاعه فحشاء باشد همین جنبه افساد و سلب

امنیت اجتماعی به آن تعلق می گیرد این افرادی که

خب اینها می آیند چیزهای مخرب می آورند یا

خودشان تولید می کنند، خیلی مسائل هست که اینها

در صورت انجامش اصلا بطور کلی یعنی عمل کردن

بطور کلی نظام یک اجتماع را اصلا برمی گرداند

دگرگون می‌کند این مطالب را بطور مبسوط در آن ارتداد می‌آید آنجا باید این مسائل صحبت بشود، یعنی در بحث میزان آزادی فرد در ارتباط با جامعه و همینطور در ارتباط با خود، در ارتباط با خارج بطور مضیقش و خانواده و اینها بطور کلی ترش مساله مربوط به جامعه برمی‌گردد و در آنجا این مسائل مطرح بشود که شخص تا چه میزانی می‌تواند از آزادی خودش در ابراز عمل و فعل خارجی استفاده کند و بهره بگیرد تا چه حد؟ حتی پوشیدن لباس در ملاء عام در صورتی که موجب به هم ریختن فرهنگ جامعه باشد این ممنوع است، پوشیدن لباس، هیئتی که شخص درمی‌آورد اینها همه هست، یک جوانی در مدینه بود جوان زیبایی بود این موهایش را می‌آمد درست می‌کرد و به یک کیفیت و لباسی هم که می‌پوشید این تعمّد داشت به اینکه زنها را به خودش جلب کند، حضرت گفتند: او را بگیرند و سرش را تراشیدند و هندوانه و بعد هم فرستادند یک مدت برود بالای کوه، تبعیدش کردند.

کسی حق ندارد به هر کیفیتی بخواهد در میان

جامعه حرکت کند، بالاخره این جامعه‌ای که در اینجا تشکیل شده یک مقداریش را این فرد می‌تواند فضا اشغال کند مثلاً فرض کنید شما اینجا نشسته‌اید هر کسی اینجا نشسته یک مقداری از اکسیژن اینجا حقش است شما الان سیگار در بیاورید دود کنید بگویید که من حقم هست شما الان دارید به حق من تجاوز می‌کنید، این جامعه را با این وضعیت خدا ساخته، این غرائز را خدا داده، خدا این غرائز را بگیرد تو هر طوری می‌خواهی بیرون بیا اصلاً لخت بیرون بیا، در یک جامعه‌ای که فرض بکنید از آن جامعه غریزه شهوت می‌بارد، به افراد یک آمپول بزنند دیگر هیچی خلاص، بشود آقا محمدخان، خب آن زن هم بشود فلان، خب لخت در بیا خب بیاید داری به دیوار نگاه می‌کنی هیچ مساله‌ای ندارد، یعنی مساله اصلاً بر می‌گردد مثل بچه غیر ممیزی که حتی در غیر تمیزش خاطره‌ای از آن در ذهن نمی‌ماند، مساله در غیر ممیز بودن حتی به بقاء خاطره و اینها برمی‌گردد فقط به اینکه می‌گویند ممیز باشد نیست، بچه سه ساله که ممیز نیست اگر او را ببرید در یک جایی همه این ذهنیات در ذهنش می‌ماند، نباید

اینطور باشد مساله تمیز و اینها فرق می کند آن وقت در یک جامعه ای که غرائز وجود دارد، خواست وجود دارد یکی امکانات دارد یکی ندارد، یکی خواست دارد یکی ندارد، یکی نیاز دارد یکی ندارد و استفاده از فضای آن جامعه ممنوع نمی تواند باشد، نمی شود گفت که آنهایی که زن ندارند از صبح ساعت ده تا چند بیرون نیایند، حکومت نظامی که نیست!، خب در یک همچین فضای جامعه ای حق قانونی هر شخصی این است که آنچه که موجب تحریک اوست در آن جامعه وجود نداشته باشد حالا اصلا یکی فی حدنفسه یک چیزیش می شود آن استثنا است ولی اگر افراد در آنجا بنحوی بیایند که این فرد نتواند آن فضای آزاد را برای استفاده خودش در جامعه آن فضای آزاد را داشته باشد، فضای جامعه مسموم باشد، حتما مسموم بودن به دی اکسید کربن نیست مسموم بودن به قرطی بیرون آمدنها و فرض بکنید با وضعیت تحریک کننده بیرون آمدن هم هست، الان زنهایی که دارند در جامعه تهران حرکت می کنند هیچ کدام اینها شرعی نیست، خود

لباس پوشیدنشان محرک است، اگر لباس را دریاورد اینقدر نگاهشان نمی‌کردند که حالا تنش کرده است تمام اینها را بایستی که منع کرد همه اینها ممنوع است یک لباس، لباس گشاد که آن حجم تعیینی، بُعد و طول و عرض به حدودها و قیودها و کیفیاتها و کمیتها پیدا نباشد و بعد این بشود یک ملاک برای خود آن افراد حالا اگر کسی بگوید دلم می‌خواهد، خب بیخود دلت می‌خواهد، برای چی می‌خواهی اینطوری بیایی بیرون؟ اگر دلت می‌خواهد در خانه خودت باش آنجا لباسهایت را در بیاور پس تو مریض هستی، تو برای بقیه می‌خواهی این کار را بکنی، نه دلم می‌خواهد، دلم می‌خواهد در کار نیست، دلم برای بقیه می‌خواهد، اگر دلت برای خودت می‌خواست خب می‌رفتی در خانه، بلند شو برو در خانه آنقدر تنگ بپوش که لباس پاره بشود یا اصلا می‌خواهی بپوش، کسی در چهاردیواری خانه منع نمی‌کند، قانون منع نمی‌کند حتی اگر بخواهی تفحص کنی بروی در منزل جلویت را می‌گیرند، آقا وقتی در بسته است حریم فرد محترم است، شخص محترم است ولی همین که شخص می‌خواهد پایش

را از حریم خودش بیرون بگذارد، در حقوق دیگران می‌رود، این جا مساله پیدا می‌شود، این آزادی که می‌گویند هر کسی حق آزادی دارد اینجا منافات پیدا می‌کند، تو حق آزادی داری مثل اینکه من حق آزادی دارم بیایم اینجا سیگار بکشم و هوای اینجا را آلوده کنم شما حق اعتراض ندارید؟ خب ما هم می‌خواهیم نفس بکشیم فقط تو یکی که نیستی تو به اندازه خودت می‌توانی از اکسیژن استفاده کنی همین.

یک جا صحبت می‌کردیم بعد یکی اشکالی کرد گفتم من صحبت‌م همین است خب هرکسی نمی‌خواهد نیاید اکسیژن بقیه را هم مصرف نکند این همه جا هست خب چرا می‌آیی اینجا؟ من حرفم همین است کتابهایی که مطالعه می‌کنم مربوط به این کتاب است مطالبی که نقل می‌کنم از این چهار چوب آن طرف تر نمی‌رود نمی‌خواهی بروی یک جای دیگر، نه جای بقیه را بگیر، نه اکسیژن بقیه را مصرف کن! خودت هم راحت باش اینقدر هم اعصاب خرد نشود.

لذا بطور کلی مسأله دموکراسی و آزادی در امروزه اصل قضیه خلاف است این آزادی که می‌گویند در غرب هست کسی به کسی کاری ندارد این یک وضعیت ولنگ‌وبازی است که در این وضعیت ولنگ‌وباز انسان نمی‌تواند رشد پیدا کند بلکه در یک وضعیتی که فقط یک ظاهری محفوظ باشد و تعدی فیزیکی نباشد خب این آزادی که در این کشورهای خارج هست، اجازه می‌دهند فلان گروه کذایی بیایند و تظاهرات کنند، در میان مردم همه در خیابان راه بروند آیا انسان یک همچنین کاری انجام می‌دهد آخر زن و مرد و پیر و جوان و بچه یک همچنین چیزهایی را ببیند چکار می‌کنند؟ یعنی اگر قانون می‌گوید شما می‌توانید در فلان روز و روزها یا مثلا به هر کیفیتی می‌توانید بیرون بیایید مگر اینجا الاغ است؟، مگر گله گوسفند است که هرکسی به هر کیفیتی بیاید؟، فضای جامعه فضایی است که متعلق به همه افراد است، متعلق به پیر است، متعلق به جوان است، متعلق به بچه است، متعلق به زن و مرد است برای همه افراد فضای جامعه ترسیم شده، این فضای جامعه باید سالم بماند در خانه‌ات هر

کاری می‌خواهی بکن برو هر کاری می‌خواهی بکن  
خودت را حلق‌آویز کن، به جهنم عین همین جریان  
چهارشنبه‌سوری، خدا پدر این دولت را بیامرزد اقلاً  
یک مقدار امسال جلوییش را گرفتند آقا چه  
وحشی‌خانه‌ای بود به اسم نمی‌دانم ... اصلاً آقا  
حیوان این کار را انجام نمی‌دهد، ماشین دارد راه  
می‌رود شیشه‌اش باز است، در ماشین ترقه می‌اندازد،  
آقا این طرفی که در ماشین است می‌میرد بعضی از  
مردم اگر ولشان کنید از گراز بدترند، گراز این کارها  
را نمی‌کند، گراز وقتی به آدم حمله می‌کند آن  
شاخش را نشان می‌دهد، اگر من بدانم که الان تو در  
این ماشین این چیزها را می‌اندازی این شیشه را بالا  
می‌کشم چقدر باید این حیوان باشد یعنی اصلاً  
عجیب است ما برای سال هزار و چهارصد هستیم و  
ایرانی هم هستیم خیر سرمان ایرانی، ایرانی بله دو  
هزار و پانصد ساله شاهنشاهی نمی‌دانم تمدن باستان  
و ماد و فلان و این طرف و آن طرف نگاه کنید این  
ایرانی‌ها کی هستند؟ گرگ و خوک این کار را انجام  
نمی‌دهد، چقدر زن‌ها در یک همچین شبی بچه

سقط کردند، چقدر توی بیمارستان رفتند، چقدر سنگ کوب کردند، چقدر قلبشان ایستاد.

چندسال پیش کرج بودیم همین شب کذایی بود، آمدند یک دانه از این صداها ... باور کنید اگر زمان جنگ بود می گفتم بمب انداختند، قطعاً اگر زن حاملی در آن منزل بود بچه سقط کرده بود، یعنی قطعی بود خب جلوی این چیزها را نباید گرفت؟ به اعتقاد من کسی که یک همچنین کاری انجام می دهد این اعدام است، یعنی اخلال به امنیت عمومی اعدام است چندتا را اعدام بکنند همه سر جایشان می نشینند، وقتی یک نفر می خواهد خر باشد می زنند تو سرش، یکی می گوید نمی خواهم آدم شوم یکی می گوید می خواهم وحشی بمانم، وحشی می خواهی بمانی برو کوه وحشی بمان چرا در خیابان می آیی؟ چرا در خانه مردم می آیی؟ مخل به امنیت را می بریم یک مدتی نباشد، آقا چندتا را بگیرید به دار آویزان کنید آن وقت ببینید کسی ترقه در می کند یا نه؟ این بدتر است یا وارد کردن تریاک بدتر است؟ کدام بدتر است؟ اخلال به امنیت یک مسأله آسانی نیست که فرض بکنید منحصر به یک یا چند چیز

باشد، آنکس که آرامش جامعه را تحت الشعاع قرار می‌دهد حالا در هر مساله‌ای باشد، مساله سرقت باشد، مساله قاچاق باشد، مساله درست کردن همین ترقه‌ها باشد، مساله ایذاء و آزار مردم باشد، تمام اینها مشمول همین است، خود احتکار در تحت یک شرایطی که خلاصه اصلا کارش این است، از آن طرف به هر بهانه‌ای اعدام کردن از آن طرف باطل است از این طرف هر کاری شخص انجام بدهد و بعد هم با یک مجازات‌های خفیف این دوباره بتواند آنرا انجام دهد هر دوی اینها غلط است هر دوی اینها صحیح نیست.

تلمیذ: ... ..

استاد: خب اگر مردم را ول کنیم همین هستند دیگر، ما همین ایرانی‌های که داریم به همه دنیا افتخار می‌کنیم تا ببینند (امنیتی نیست) می‌زنند شیشه‌ها را می‌شکنند، ماشین‌ها را آتش می‌زنند یک بازی می‌کنند قرمز و سبز و سیاه و سفید نمی‌دانم چی و یکی می‌برد یکی می‌بازد، بازی بازی است آقا چه وحشی بازی در می‌آورند؟! من یک دفعه در این

قضیه بودم، از قم آمدم تهران و وارد تهران شدم  
دیدم انگار شهر جنگ زده است اصلا آتش و دود و  
کفش و کت افتاده بود در خیابان فردوسی گفتم  
حمله مغول بوده؟ یکی زده یکی برده بابا این چه  
بساطی است؟! یعنی این نشان می دهد که مردم نیاز  
به قانون دارند، مردم نیاز به چوب و فلک دارند،  
قانون بالا سر نباشد می گیرد، می چاید، دزدی می کند  
و هرکاری هم دلش بخواهد انجام می دهد حالا هر  
کسی در هر لباسی می خواهد باشد تا چوب و فلک  
نباشد به نظام نمی آید، چند تا سلمان و ابوذر فارسی  
در این مملکت پیدا می شود؟ چند تا عمار و حذیفه  
در این مملکت پیدا می شود؟ چند تا پیدا می شوند که  
تا یک گنج پیدا بکنند چشمشان را ببندند؟! نه بابا دو  
ریال پیدا می کنند دین و خدا و پیغمبر یادشان  
می رود، تمام شد نه قیامتی نه پیغمبری، بزن و شیشه  
را خرد کن و آتش بزن و چکار بکن و عقده چی را  
می خواهی خالی بکنی؟ باخته که باخته، برده که  
برده، من نمی دانم سابق هم همینطور بود زمان شاه یا  
نه؟ این چیه؟ مردم چرا اینطوری شدند؟ اصلا عین  
وحشی ها، نمی دانم چه فرهنگی است؟ این چه ادبی

است؟ اصلا ما به اسلام کار نداریم بابا تو یک وجدان داری، این ماشین بدبخت کنار پارک است به تو چه کار دارد؟ نه به آن قرمزت کاری دارد، نه به آن بنفشت کاری دارد، عین حیوان ... بعد هم می گوئیم پیغمبر احکامش مال هزار و چهار صد سال پیش است الان مردم روشنفکر شدند! احکام مال الان نیست اینها این حیوانها؟

یک باغ وحشی بوده در خارج وقتی من نگاه می کردم واقعا گریه ام گرفت که این انسان چیست؟ یعنی در کجاها حرکت می کند واقعا انسان کیست؟ یک بیچاره ای از ماشینش پیاده شده در این باغ وحش های که حیوانات آزادانه حرکت می کنند آنجا باید با ماشین رفت کسی پیاده نمی رود مثلا شیر برای خودش می گردد یکی از اینها پیاده شده بود نمی دانم چکار بکند، خبر هم که نداشته یک دفعه یک حیوان درنده ای به او حمله می کند هی اینها داد می زنند یکی بلند می شود دوربین در می آورد از این عکس می گیرد و خوب تماشا می کند که چطوری این می زند دندانهایش را و پاره می کند هرچی این

زنش و اینها داد و بیداد می کنند که این دارد می میرد  
بلند شوید بیاید و چه بکنید، این می زند این مرد  
بیچاره را می کشد بعد که می آیند می گویند چرا تو  
کمک نکردی؟! می گوید اگر کمک می کردم آن وقت  
دیگر نمی توانستم همچنین فیلمی را با قیمت خوب  
بفروشم به جاهایی که سوژه های جالبی می خرنند  
انسان هزار و چهارصد سال چی فکر می کند؟ یعنی  
واقعا می توانیم اسم انسان بر روی او گذاشت خب  
این با آن ببری که دارد او را پاره می کند چه فرقی  
می کند؟! چه تفاوتی با همدیگر دارند؟ فقط و فقط  
در سایه معنویت و رعایت آداب و سنن هست که  
انسان می تواند خودش را از این وهله بیرون بیاورد  
بیرون بکشد یکی از وظائف حکومت، وظایف مهم  
و خیلی حساس حکومت این است که مردم را از  
نقطه نظر فرهنگی به آن سمت هایی سوق بدهد که  
در جریان یک همچنین تنش هایی اصلا قرار نگیرند،  
نه اینکه علل و اسباب را فراهم بکند، علل و اسباب  
تنش، علل و اسباب به هم ریختگی اعصاب، به هم  
ریختگی روح این مسابقات و فلان و اینها همه  
درست عکس این مساله است ولی مردم را در یک

وضعیت رقابت و تسابق، شما که این رقابت‌ها را با این وضعیت ایجاد می‌کنید، آن خصوصیات نفسانی افراد را که نمی‌توانید از دلش در بیاورید با حفظ آن خصوصیت‌ها یک همچنین رقابت‌هایی، یک همچنین مسابقاتی یک همچنین دامن زدن به این چیزها، آن مسائل نفسی اشتعال پیدا می‌کند نه اینکه تخفیف پیدا بکند، این قضایا در راستای اشتعال دارد انجام می‌گیرد این را ببریم چکار کنیم؟ فلان بکنیم یعنی مساله مساله تسابق نیست یک مساله برد و باخت غیرانسانی است، برد و باخت غیرانسانی در کار هست یک وقت من داشتم نگاه می‌کردم چندی پیش بود یک جا بود نمی‌دانم کجا هم بودم که تلویزیونش روشن بود که جایی بود بین اینجا و جای دیگر مسابقه بود یک آدم معروفی است داشت صحبت می‌کرد یک دفعه تا شنید که در فلان جا ایران باخته شروع کرد زار زار گریه، گفتم به به یک چیزی گفتم که الان نمی‌گویم آخر به تو هم می‌گویند آدم، "من احساساتی شدم" آخر تو آدمی؟ آخر تو با آن بچه پنج ساله چه فرقی می‌کنی؟! اینقدر باید یکی واقعا

تهی تهی باشد، خب باخت به جهنم که باخت اینکه دیگر گریه ندارد، آدم به این بزرگی، عین بچه پنج ساله عجیب است! خیلی برای من چیز عجیبی بود، این منظره که این نشان دهنده شخصیت این است که این شخصیتش چطوری شکل گرفته؟ در چه فضایی شکل گرفته؟ آن وقت عکسش، حالا اگر فرض کنید ... چنان شعف پیدا می کند که از آن طرف کارهای بچه گانه سر می زند، یک حالاتی، یک تعبیراتی ... آن وقت همین را بقیه افراد در کشورهای دیگر هم دارند، خب اگر این گریه می کند او هم می کند چطور آنرا نشان می دهی می گویی فلانی گریه کرد خب اینجا هم آقاون دارد گریه می کند، یا تعبیرهایی که در جاهای دیگر آوردند همین ها هم همین هستند.

يك وقتى من يك قضيه‌اى و مطلبى را شنيدم در

يكى از همين برد و باخت‌ها بود كه ايران برده بود خيلى

عجيب، خيلى متأثر شدم كه ما در كجا هستيم؟! در چه

فضايى هستيم؟! در چه وضعيتى هستيم؟! خيلى براى

من اميرالمؤمنين عليه‌السلام را يادم آمد ببينيد اصلا

كجا «أَأَقْنَعُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يَقَالَ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَا

أَشَارِكُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ»<sup>۱</sup> اگر من در اینجا باشم و در آن طرف يك زن یهودی را بیایند خلخال از پایش ببرند و مورد تعرض قرارش بدهند بعد حضرت به مردم می گوید اگر از این مصیبت بمیرید خیلی رواست که يك زنی را در فلان جا در سرحدات مملکت حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام يك زنی را آنجا آمدند يك خلخال در آوردند این رفته بالای منبر می گوید: به شما مرد می گویند و زنده اید؟

این را ما فقط همینطوری می گوئیم یعنی بالای منبر می گوئیم، در روزنامه ها می نویسیم، در کتابهایمان می گوئیم ولی آیا ما تا بحال خودمان را در فضای یک همچنین صحبتی قرار دادیم که آن علی که این را می گفته در چه فضایی از فرهنگ و اعتقاد و باور بوده؟ بله در کتابها نوشته خیلی هم خوب نوشته با وُرد و با خط خوب هم نوشته ولی آیا ما هم همین هستیم؟ ما هم در همان فضا هستیم؟ مایی که الان ایران مسابقه می دهد با یک کشور عربی دیگر که

---

<sup>۱</sup> نهج البلاغه ص ۴۱۸ نامه ۴۵

آن هم مسلمان است یا اصلاً مسیحی است یک کشور مسیحی و می‌برد آیا ما باید افتخار کنیم افتخار دارد؟ اینهایی که الان شما این مسائل را دارید احساس می‌کنید می‌دانید چرا؟ چون در یک فضای دیگری شما قرار دارید، بقیه اگر این را بگوییم به ما می‌خندند آقا این حرفها چیست؟ این آقا چی می‌گوید؟!

ولی شما که در یک فضای توحیدی قرار گرفتید و به مکتب و مبانی بزرگان به آنها مطلع شدید حالا می‌فهمید آن امیرالمؤمنین علیه‌السلام که می‌گفتش اگر از این مصیبت بمیرید رواست واقعا راست می‌گفته چرا؟ چون برای امیرالمؤمنین علیه‌السلام زن یهودی در سرحدات حکومت اسلام با آنی که بغلش است تفاوتی ندارد، این است نه تنها این، امیرالمؤمنین علیه‌السلام حتی از آن خلخالی که از حکومت معاویه می‌گیرند همین را می‌گوید منتهی می‌گوید دیگر دستم نمی‌رسد، استرالیا هم باشد همین را می‌گوید چرا؟ عموم دارد، فرهنگ امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرهنگ شامل و عام است، مرحوم آقا چی فرمودند؟ ما مرز نداریم، مرزی

وجود ندارد، مرز مرز اعتقاد است نه مرز جغرافیایی،  
مرز مرز اعتقادی است، الان واقعا شما که در یک  
همچنین فضایی قرار دارید در یک روزنامه بشنوید  
که آمدند رفتند به یک زن در یکی از این کشورهای  
خارجی، کشورهای اروپایی، آمریکایی، استرالیایی،  
افریقایی آمدند به یک مظلوم ظلم کردند آیا برای  
شما همان احساسی پیدا نمی‌شود که اگر بگویند یک  
نفر در همین ایران در همین شهر، در همین قم ...  
یک همچنین احساسی پیدا نمی‌کنید اگر شد بدانید  
نزدیکید، اگر نشد باید بروید در حالات و روحیاتتان  
تجدیدنظر کنید اگر همان حالت پیدا شد، هان دارد  
قرار می‌گیرد اگر مسابقه داده شد بین ایران و  
غیرایران و مساله فرقی نکرد خب آن یک کشور  
مسلمان است این هم مسلمان است مگر ما  
نمی‌گوییم همه جا اسلام باشد؟ و ما هم باید به همه  
جا فرهنگ را اشاعه کنیم؟ خب اشاعه فرهنگ این  
است؟! حالا به مسیحی و آنهاش کاری نداریم  
پاکستان فرض کنید کشورهای عراق عربی لبنان  
سوریه عربستان کشورهای دیگر.

وقتی آنها ببینند وضعیت ما را، کیفیت تبلیغ ما را، تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند چی شده؟ چرا تعبیرها اینطوری شده؟ وقتی که می‌بریم: زدیم و شکستیم و دروازه را له و خرد کردیم و حمله کردیم و جلو زدیم، بردیم ... وقتی می‌بازیم: بازی را واگذار کردیم، خب بگو باختیم بابا جان، واگذار کردیم! این چی را نشان می‌دهد؟ آنها می‌فهمند قضیه چیست؟ مطالب را تشخیص می‌دهند خیلی خب حالا که اینطور است مشکل نداریم حالا که قضیه این است ما مثل هم هستیم، تو به یک اسمی هستی و ما هم به یک اسمی تو یک جور ما هم یک جور ما مشکل نداریم مشکل آنجا پیدا می‌شود که تو بخواهی به راه دیگه بروی، راه اولیاء و راه فلان آنجا می‌خواهی بروی آن وقت ما راهمان یک طور دیگر است ما وضع دیگر داریم ولی الان نه ما مساله‌ای نداریم ما با هم رفقیم.

تلمیذ: استفاده از نام ائمه اطهار در جریانات

مسابقات ورزشی چگونه است؟

استاد: ببینید یک وقتی اصلا اصل و اساس

روش، روش صحیح و منطبق است آن عیب ندارد

مثلاً "از اینها استمداد بکن" چه شکست بخورد یا نخورد، شما یا ابوالفضل بگویید وزنه یک تنی بخواهید بردارید می‌شود؟ نمی‌شود او که نمی‌آید برای شما وزنه یک تنی را ده کیلویی کند، خب این مسخره کردن است یک وقتی نه انسان اصلاً در هر چیزی استمداد می‌کند ولو اینکه شکست بخورد با این نظر که من استمداد می‌کنم ولی در عین حال نظر حضرت ابوالفضل علیه‌السلام این است که بنده شکست بخورم، خب شاید پیروز بشوم آن وقت ما می‌آییم آن جنبه منفی مساله را در نظر نمی‌گیریم که آن تأثیر بد می‌گذارد می‌گویند اگر اینها امامشان کارآیی داشتند چرا شکست خوردند؟ بله در یک جا شنیدم، البته آن آدم صحیح‌الاعتقادی نبود فاسد بود سید محمدباقر درچه‌ای بله ایشان از اصفهان بوده آدمی بوده که مقداری نسبت به ائمه بی‌تربیت‌هایی هم داشته، که یکی آمده نمی‌دانم چکار کند گفته که حضرت ابوالفضل علیه‌السلام را پیشش شفاعت کند آن گفته اگر می‌توانست می‌رفت دست‌های خودش را درست می‌کرد نمی‌گذاشت قطع شود یک

همچنین چیزهایی داشته، استفاده از نام ائمه بله باید باشد یعنی باید رواج داشته باشد ولی با یک فرهنگ صحیح باید باشد نه اینکه استفاده بکنیم برای پیروزی، گاهی پیروزی نمی‌شود و همین موجب می‌شود که اعتقاد نسبت به آنها سست بشود ما امام را برای پیروزی می‌خواهیم نه امام را بعنوان استمداد و کمک در هر مساله‌ای.

تلمیذ: استفاده از نام ائمه در امور اعتباری یا بی‌ارزش مثل همین مسابقات ورزشی در قبال امور مهم و جدی چگونه است؟.

استاد: در وضعیت فعلی که اصل تسابق، تسابق صحیح نیست، ورزش صحیح است ورزش خوب است صحیح است البته ورزش‌هایی که جنبه تقویت قدرت بدنی داشته باشند، فوتبال این مسئله را ندارد، ورزشی که در زندگی مفید باشد نه آنکه صرفاً خودش یک نمودی داشته باشد اینها گسترشش در جامعه اشکال ندارد، کشتی خیلی خوب است، انسان قوی می‌شود ولی وزنه نه، وزنه چیزی نیست که بخواهد در زندگی یک امر مفیدی باشد یا مثل فوتبال.

این همه خرج‌هایی که دارد می‌شود از پول  
این مردم دارند پولهایی که باید صرف فقرا و اینها  
بشود دارد صرف چه چیزهایی می‌شود، فوتبال یک  
چیزی است که خب در زندگی انسان و در بهبود  
انسان هیچ نقشی ندارد، صرف فقط یک هنری است  
که هنر، هنر بی‌محتوا است، حالا فرض کنید یک  
جامعه در آن فوتبال نباشد چه می‌شود؟ طوری  
نمی‌شود مگر من فوتبال بازی کردم آن موقع  
جوان‌تری‌هایمان، البته نمی‌گویم پیر شدم، آن موقع  
بازی می‌کردیم اما الان حالش را نداریم الان  
پیاده‌روی را هم حالش را نداریم بعضیها می‌آیند  
درب خانه‌مان و قول هم دادیم، می‌گویم می‌شود  
بگذاری فردا یا پس فردا یا یک وقت دیگر؟ این  
مطلب که می‌فرماید در یک همچنین چیزی درست  
اولا زورخانه‌های سابق را نگاه بکنید: اسم علی  
علیه‌السلام بود به اسم علی علیه‌السلام می‌رفتند توی  
گود و خب چه اشکال دارد؟ اصل ورزشی که مفید  
است و صحیح است و به درد سلامتی می‌خورد و  
انسان با این به یاد ائمه باشد و همینطور خب در

مسابقه‌اش هم همینطور که انسان واقعا از اینها استمداد کند ولی اینطور نباشد که تصور باشد که حتما باید انجام بشود، چون مصالح را آنها می‌دانند ولی نسبت به مسائلی چیزهایی که شما می‌گویید چیزهای بیخود نه هیچ وجهی ندارد.

تلمیذ: در مکه که مشرف بودیم در خود مسجدالحرام خانمهای ایرانی با وضع بد حجاب وارد می‌شدند ...

استاد: پسرهایش هم همینطور، پسرهای جوان موهای کوتاه، چندمرتبه من خودم برخورد کردم در نماز جمعه‌شان در مدینه که می‌گفت: "ایرانی‌ها دقت کنند نسبت به مسائل اخلاقی" خوب هست دیگر داریم می‌بینیم.

تلمیذ: ...

استاد: قضیه آن سال سوت کشیدن اول نوروز خیلی عالی بود، سوت، فلان گفتند این کار مجوس است، سوت کشیدند و دست می‌زدند در مسجدالحرام بعد همان جا رفتند یک دوربین آوردند با یک نفر مصاحبه کردند ... - سر چه کسی را داریم کلاه می‌گذاریم؟ - خوب موقع نوروز چکار کردید؟

الله اکبر گفتیم، وقتی برای ما پخش کردند آن  
سوت‌هایش را که نمی‌گذاشتند خوب حالا آن آقای  
که دارد آنجا می‌بیند و این فیلم شما را می‌بیند به شما  
چی می‌گوید؟ والله ما الله اکبری نشنیدیم ما چیزی  
که شنیدیم سوت و کف و اینها بوده صداقت خوب  
چیزی است، آدم صادق باشد، صادق باشد تا اعتماد  
جلب شود.